

عبدالخالق نبوی

فرهنگ‌نویسی نوین تاجیک در پنجه سیاست صنفیت‌گرا

در تاریخ علم سخن‌سنجی تاجیک سده ۲۰ برابر کوششهای بنیادگذاری، ورود به اصول‌های نو تحقیق و تشکل آن در زمینه دستاوردهای جدید علم جهانی، از جمله مسائلی است که حقیقت آنها تا به امروز تاریک و از چشم اهل نظر دور مانده‌اند، یا عملی کردن آنها نتیجه فجیع به بار آورده است. در شرایط کنونی که جامعه ما از قید و بند ایدئولوژی پیوسته رها می‌شود، آن واقعه‌ها به صورت فاجعه مضحک نمودار می‌شود. آری، تنها در جامعه خودکامه می‌توانست طلب و غرضهای درشت و سست‌بنیاد سیاسی جلد جلد اثرهای پرارزش را به کام آتش برد، نتیجه کار چندین ساله و محنت زیاد اهل علم را برباد دهد و روزگار افراد دانشمند را تلخ و ایشان را جسماً نابود سازد.

بنابر این، امروز برای ما، اهل علم، لازم است که هنگام رجوع به تاریخ کوشش کنیم، تا حقیقت واقعی زمان را به اصلش نزدیک، بلکه چنان که بود، توضیح دهیم، مقام پژوهشگران اصیل را که به حماقت‌های سیاسی نگاه نکرده، در بنیادگذاری علم زمانه فیلولوژی تاجیک سهم گرفته‌اند، بی‌غرضانه معین نماییم و برای تکرار نشدن سیاست‌زدگی علم به دست هموطنان خود پژوهش‌های عبرت‌بخشی داده باشیم.

از روی انصاف باید اقرار کرد که محض در سالهای برقرار شدن حاکمیت شوروی پژوهش علمی زبان، ادبیات و فرهنگ تاجیکی و عموماً فارسی‌زبانان در تاجیکستان با استفاده از دستاوردهای علم جهانی به تنظیم درآمد و مؤسسه‌های علمی تشکیل یافت، طرحهای پژوهشی ترتیب داده شد و نتیجه‌های خوبی نیز به دست آمد [۸]. ولی این همه

تدابیر ویژه‌ای در زمینه سیاست حزب کمونیست اجرا می‌گردید و از این سبب در جریان عملی شدن آنها اغلب موارد مقصد و نتیجه‌های خوب و بد پهلوی هم بوده‌اند. تاریخ تألیف، بررسی و لغو نخستین فرهنگ تاجیکی - روسی که با نام «لغت بیکتاش» مشهور است، می‌تواند بازگوکننده مؤثر فراز و نشیب در فرهنگ‌نویسی جدید تاجیک باشد.

نذرالله بیکتاش (۱۹۳۸-۱۹۰۰ میلادی) یکی از نخستین علمای تاجیک است که در رشد علم فیلولوژی ما سهم بوده است. افزون بر این، بیکتاش در این روند نقش رهبر را داشته است. وی از اولین اعضای شورای علمی تاجیکستان (۱۹۲۷) بوده، مدیر بخش علم کمیسیاریات معارف جمهوری (از سال ۱۹۲۸)، رئیس کمیته تاجیک‌شناسی و رئیس بخش فیلولوژی انستیتو تحقیقات علمی تاجیکستان (۱۹۳۲-۱۹۳۰) را به عهده داشته است. مهمتر از همه، بیکتاش در ایجاد و رشد رشته‌های مختلف زبان‌شناسی: علم آواشناسی، لغت‌نویسی، اصطلاح‌گزینی، املا، نظریه رشد زبان، زبان ادبی و گفتگو؛ ادبیات‌شناسی: پژوهش تاریخ ادبیات، نقد ادبیات معاصر، وزن شعر فارسی تاجیکی، تحقیق ادبیات عامه (فولکلور)، تعلیم و تنظیم کتابهای درسی، ترجمه بدیعی، پژوهش موسیقی کلاسیکی تاجیک «شش‌مقام» و عموماً فرهنگ تاجیکی خیلی از آثار ارزشمندی تألیف نموده است. اصول تحقیق وی در مسئله‌های شناخت زبان عمیق و سالم است، ولی در پژوهش مسایل ادبیات از بررسی درشت اجتماع‌گرایانه نتوانسته است برکنار ماند. عموماً، هم در پژوهش علمی و هم در افکار سیاسی، به تقاضای زمان مرکب مبارزه‌های فکری سالهای ۲۰-۳۰ جامعه آن روزه شوروی گاهی به نشیب و فرازهای عقیدتی گرفتار بود، ولی مسلم است که بیکتاش از بنیادگذاران علم فیلولوژی تاجیک به شمار می‌آید و هم به صفت یک شخص هوشیار و بیدار، ابتدا به صورت پنهانی و سپس خیلی آشکار همیشه در مقاومت با سیاست فرهنگی شوروی قرار داشت. به همین سبب بوده است که وی را در سال ۱۹۳۳ به عنوان «دشمن خلق» نامزد کردند و سالهای

۱۹۳۷-۱۹۳۸ یکی از اولین افرادی بود که سیاست خون‌آشامانه ترور استالینی وی را به کام خود فرو برد.

یکی از رشته‌های فعالیت زبان‌شناسی بیکتاش، فرهنگ‌شناسی و ترتیب دادن لغت به شمار می‌آید. واقعاً، وی به عنوان یکی از سروران انستیتو تحقیقات علمی و تألیف لغات دیگر نیز راهنمایی می‌کرد و به این معنی در تألیف و به نشر آماده گردیدن «لغت روسی - تاجیکی» که با راهبری استاد صدرالدین عینی سالهای ۱۹۳۲-۱۹۳۴ انجام داده شد و در دو جلد به نشر رسید، نیز سهیم می‌باشد. اما لغت‌نامه‌ای که با سروری بیکتاش ترتیب داده شد، «لغت تاجیکی - روسی» نام داشته، حدود سال ۱۹۳۲ کار آن در آستانه اتمام بود. در این عمل به بیکتاش، چنان که منتقدانش می‌گویند، «همفکران» وی عبدالواحد منظم و س. سکیم‌چتسکی همکاری کرده‌اند، «پروفسور ضدانقلابی مشهور و فاش‌گردیده ا. سیمیانف»، مشاور ایشان به شمار می‌آید [۲]. لازم به ذکر است که مؤلفان مذکور تنها قسم اول «لغت تاجیکی - روسی» را ترتیب داده بودند و کار بر روی قسمت دیگرش نیز ادامه داشته، به طور عمومی ناتمام مانده بود. همین قسم اول آن در جلسه علمی نخستین مربوط به آموزش اقتدار استحصالی جمهوری شوروی تاجیکستان که در لنینگراد ۱۶-۱۰ آوریل سال ۱۹۳۳ برگزار گردید، در ردیف دیگر مسئله‌های لغات به چاپ آماده شده و حالت فرهنگ‌نویسی تاجیکی مورد بررسی قرار گرفت. پروفسور ا.ا. برتلس در این مورد با سخنرانی در موضوع «راههای به وجود آوردن فرهنگ تاجیکی» [۱۸۱-۱۱۷، ۳] برآمد می‌کند که از طرف علمای شرق‌شناس و متخصصان مورد بحث و اندیشه‌های مختلف واقع می‌گردد. این مجمع یکی از نخستین جمع‌آمدهایی بود که علمای مشهور و صاحب‌تجربه سابق شوروی با آموختن اقتدار استحصالی‌کنندگی، امکاناتهای اقتصادی و راههای به استفاده کشیدن ثروتهای طبیعی و تشکیل دادن فرهنگ نو تاجیکی جلب کرده، برای انجام تحقیقات مهم علمی شرایط فراهم آورد. در

این جلسه کمیسر معارف تاجیکستان ناصراف از ساختار مدنی تاجیکستان، بخصوص مربوط به مسئله‌های مهم علم زبان‌شناسی تاجیک و ادبیات تاجیکی گزارش مفصل داده است [۱۵۶-۱۴۸، ۹]. در همان سخنرانی ا.ا. برتلس هم در معروضه‌های دیگر از اهل علم در باره صفت لغت‌نامه‌های آماده چاپ: «لغت روسی - تاجیکی»، «لغت تاجیکی - روسی» و اصول تدوین لغت‌نامه تفسیری تاجیکی، لغات تخصصی اصطلاحات و املا، ضرورت آماده ساختن فرهنگ واژه‌های تاریخی و لغت علمی زبان تاجیکی سخن به میان آمده بود و در محافل مذکور بررسی «لغت‌نامه» بیکتاش جایگاهی مهم یافت.

از معلوماتی که پروفسور ا.ا. برتلس داده است، معلوم می‌شود که حجم لغت مذکور خیلی بزرگ بوده، تقریباً ۱۰۰ هزار واژه را در بر داشته است (برتلس گفته که هنگام تحریر قسم اول این لغت‌نامه ۳۰ درصد آن را که ۳۰ هزار کلمه را تشکیل می‌دهد، اختصار نموده است) [۱۷۸، ۳]. مواد آن اساساً با استفاده از فرهنگهای مشهور فارسی تاجیکی «برهان قاطع» و «غیاث‌اللغات» تنظیم شده، بیشتر از همه واژه‌هایی را که خاص زبان ادبی گذشته بودند، در بر داشته است. از گفته منتقدان معلوم است که مؤلفان لغت مذکور تألیف فرهنگ مفصلی را نیت داشته‌اند، تا با واژه‌نامه تفسیری قرابت داشته باشد. یعنی آن هم کلمه‌های کم‌استعمال، هم لغات خاص ادبیات گذشته، هم اصطلاحات و تعبیرهای دینی، مذهبی، فلسفی و عرفانی، هم دانش‌واژه‌های تخصصی، هم کلمات عربی و غیره را فرا گیرد.

در تقریظ ا.ا. برتلس گفته می‌شود که بیکتاش و همکارانش به لغت‌نامه اصطلاحات فقه و حقوق شرعی، تعبیرهای خاص اسماعیلیه و همه کلمات منسوب به این جریان، نامهای پیامبران، شاهان و شمار زیادی از لغات عربی را جای داده بودند. این باعث اعتراض سخت ا. برتلس گشته، همان ۳۰ درصد (یا ۳۰ هزار کلمه) را از حساب همین قبیل واژه‌ها از قسم یکم لغت‌نامه مذکور اختصار کرده بود. معلوم است که این تحریر و انتقاد زمینه کمتر علمی دارد.

دلیل برتلس در این مورد همین است که لغت‌نامه «زبان یگان مرحله تاریخی را افاده نمی‌کند»، مؤلفان هنگام انتخاب کلمه‌ها از مطبوعات نو استفاده نکرده‌اند، اکثر کلمه‌های گویا کهنه و نالازم می‌باشند [۱۷۹، ۳]. معلوم است که این نکته‌گیری‌ها بیشتر ماهیت اساسی دارند، بنابر این، برتلس با تحیر تأکید می‌کند که «در لغت کلمه‌هایی از قبیل «بلشویک» (болшевик) موجود نیست... حال آن که لغت باید برای خواندن کتابها و مطبوعات کمک کند» [۱۷۹، ۳]. در این زمینه همین را باید گفت که از روی منطق «بلشویک» به چه اساس کلمه تاجیکی بوده می‌تواند و یا چگونه به «لغت تاجیکی - روسی» داخل شده و شرح و تفسیر می‌یافت؟! بر اساس دلیلهای فوق و شاید، از همه مهمش، از روی غرضهای سیاسی بوده باشد. ا. برتلس چنین خلاصه می‌کند: «من چنین می‌شمارم که لغت را در این شکلی که هست، چاپ کردن ممکن نیست. لغت تاجیکی روسی را از نو از روی پرنسیپهای به کلی دیگر ترتیب دادن لازم است». وی علاوه می‌کند: «البته همه آن مواد پرقیمتی که در این لغت کهنه (یعنی لغت بیکتاش - ع.ن.) موجود است، منبعد باید مورد استفاده قرار گیرد» [۱۷۹، ۳]. واقعاً، بنده نیت آن را ندارم که عالم معتبر ا. برتلس را به سیاست‌زدگی متهم کرده باشم، زیرا همه تحقیقات او در ایران‌شناسی در زمینه اصول‌های قومی علم آکادمی انجام پذیرفته‌اند و بررسی خلاصه‌های او خالی از تعصب و غرض و سود محدودیت فکری می‌باشند. ولی شاید از تأثیر زمان به سیاست گرویده باشد که او سال ۱۹۳۰ چاپ آثار شفاهی به ایدئولوژی نامقبول را به مقصد موافق نحساییده است» [۵۴، ۳]. معلوم می‌شود که ا. برتلس از خوف «تنقیدچیان موشکاف» در مسئله‌های «ساختمان مدنی» احتیاط کاری ظاهر می‌کرده است. ماهیت چنین عمل وی در مکتوبی که وابسته به «لغت زبان ادبی تاجیک» استاد عینی سال ۱۹۳۰ به ایشان ارسال داشته بود، یک درجه معلوم می‌گردد. افزون بر این، موضوع بحث این دو قضیه (لغت بیکتاش و فرهنگ استاد عینی) یکی بوده، از

دگرگون نشدن روح سیاسی جامعه در بین این سالها شهادت می‌دهد. برتلس در باره بعضی شبهه‌هایی که پس از مطالعه این لغت‌نامه عینی در وی به وجود آمد، چنین نوشته است: «... در لغت شما با این همه ثروت، کلمه ساویتی و اینترناسیونالیستی هیچ یافت نمی‌شود. اگرچه من شاید سببش را می‌فهمم، ولی می‌ترسم که اگر این کتاب در همان شکل کنونی از چاپ برآید، بعضی تنقیدچیان موشکاف یک هیاهو خواهند برآورد که آخر آن ناپیدا خواهد بود. خواهند گفت که شما مخالف داخل کردن چنین کلمه‌ها در زبان ادبی تاجیک هستید و دیگر همین خل مزخرفات... به نظرم از این قسم گفتگوها هیچ کس را خوش نمی‌آید. از این سبب من فکر کردم که راهی باید، تا برای چنین اعتراضات دیگر امکان داده نشود...» [۱۰، ۱].

چنان که می‌بینیم، ماهیت مسئله‌ای که ا.ا. برتلس هم در مورد قضاوت «لغت‌نامه» بیکناش و هم هنگام ارزیابی «لغت» استاد عینی به تشویش آمده، یک چیز است. ولی عاقبت این دو اثر به خوبی نیانجامید. «لغت» بیکناش عموماً از چاپ بازداشته شد. «لغت» عینی بعد از ۴۰ سال از تألیفش، سال ۱۹۷۷، به طبع رسید.

اصلاً ا.ا. برتلس در اصل، گناه سیاسی را به «لغت» بیکناش خیلی ملایم کرده، «جایگیر کردن کلمه‌هایی از قبیل «بلشویک» در لغت زیاد نمی‌شد» گفته بوده است [۲]. ولی شاید از اندیشه عاقبت منتقدان ایدئولوژی آن را در مقاله‌اش به آهنگ قطعی تحریر کرده است. عموماً در بررسی مذکور بعضی از علما «لغت» را بی‌اهمیت ندانسته‌اند. مثلاً و.ا. زبیراف گفته بود: «از سخنان معروضه‌چی چنین به نظر می‌رسد که در قسم اول لغت تاجیکی - روسی واژه‌های به کلی نالازم موجودند، ولی همین چیز نیز عنیق (دقیق) است که زمانی می‌آید که ما در باره ترتیب دادن لغت، واژه‌های تاریخی که نه معنای کلمه‌های زنده، بلکه مضمون در زمان سابق استفاده می‌شده را شرح می‌داده باشد، مسئله به میان خواهیم گذاشت. این گونه لغت با گذشت وقت به ما لازم می‌شود» [۹، ۱۸۲]. آکادمیسین ا.ا. فریمان در کنار ذکر برخی

کمیوهای لغت‌نامه، از قبیل اینکه مؤلفان میان فرهنگ علمی زبان معاصر و لغت عمومی زبان تاجیکی که باید همه غنای زبانهای تاجیک و فارسی را فرا گیرد، تفاوتی ندیده‌اند، به این خلاصه مثبت آمده بود: «در بین مواد لغت یک مقدار کلمه‌هایی هستند که برای تاریخ زبان بسیار ارزشمند می‌باشند. این واژه‌ها تا به این روز در هیچ فرهنگ فارسی قید نشده‌اند. آنها تنها خاص زبان تاجیکی می‌باشند و باعث تأسف است، اگر این واژه‌ها از لغت بیرون پرتافتند. بنابر این، لغت را تکمیل و اختصار نموده، موافق احتیاج و ضرورت حساسی که نسبت به لغت‌ها در تاجیکستان هست، آن را نشر کردن لازم است. هم کارمندان علمی و هم دانشجویان تصدیق می‌نمایند که این لغت ضرور است و چاپ آن کار خیر می‌باشد» [۱۸۴، ۹]. چنان که پیداست، آکادمیسین فریمان اصلاً به فرهنگ اهمیت قابل است و مخالف اختصار جدی آن می‌باشد، «کمیودی ایدئولوژی» آن را با اندک تکمیل اصلاح‌پذیر می‌شمارد و نشرش را یک کار ضروری و عمل خیر می‌داند.

ولی این همه دلیل و نتیجه‌گیری‌های واقعی و علمی کارگر نیامدند، چون که در جامعه به همه چیز از نظر سیاسی و ایدئولوژی و مبارزه طبقاتی می‌نگریستند و ارزش می‌دادند و به زبان، حتی به لغت نیز که طبیعتاً به همه طبقات جامعه باید بی‌تفاوت خدمت نماید، لباس عقیدتی می‌پوشانیدند. طلب می‌کردند که «لغت باید تا به آخر صنفی (طبقاتی) باشد» و ترتیب دهنده همیشه «هوشیاری صنفی» ظاهر نماید [۱۸۲، ۹] و گرنه قیمت آن به هیچ برابر دانسته می‌شد. «لغت» بیکتاش هم قربانی همین گونه کوتاه‌نظری و سیاست‌گرایی‌های درشت شد، حال آنکه از نظر علمی تحریر و تکمیل و تنظیم آن کار شدنی بود. ولی تهدید «منتقدان» عیبجوی سیاست‌باز به خدمت سه ساله یک گروه علما و مجموعه غنایی زبان تاجیکی خط بطلان کشید. پروفسور و.ا. زالیکوف در همین جلسه علمی نه چون عالم، بلکه چون فردی یاره‌گو چنین اظهار داشته بود:

«در لغت باید سیاست ملی لنینی ما انعکاس گردد. از این نقطه نظر، در ساحة ساختمان سوسیالیستی ما لغت دارای اهمیت بزرگ دولتی می‌باشد. هر آن کسی که لغت را با کلمه‌های پیغمبر و پادشاه افلاس (کتیف) می‌کند، هر ناکسی که فهمیده یا نفهمیده چنین مفهومی مانند «بلشویک» و «بلشویسم» را فراموش می‌کند، همان می‌تواند مؤلف باشد که ما توانیم به آن باور نموده که لغت بکنیم... من می‌گویم که لغت بی‌جایگیر شدن این کلمه‌ها (بلشویک و بلشویسم - ع.ن.) چاپ شده برآید، آن را محو کردن در کار است، زیرا که چنین لغت، لغت اتفاق جمهوری‌های سوسیالیستی شورایی نمی‌شود [۱۸۱، ۲۹].»

نقطه پایان را به این بحث کمیسر معارف خلق جمهوری سوسیالیستی شورایی تاجیکستان ناصراف گذاشت. از برآمد وی معلوم می‌شود که سرنوشت «لغت» و مؤلف آن از خیلی وقت پیش حل شده است و شاید دستور سیاه کردن و از نشر بازداشتن آن لغت نیز از دایره‌های رسمی سرچشمه گرفته باشد. هیچ نباشد، از سخنان ناصراف چنین نتیجه گرفتن ممکن است. وی اظهار داشته است: «لغت تاجیکی - روسی» که پیشنهاد کرده شده، از طرف همان عنصرانی درست گردیده بود که آنان می‌خواستند مفکوره بیگانه صنفی را به آن کشیده بیاوند. آنان از واقعه استفاده نمود، سعی می‌کردند که لغت در حال نشر را با استفاده اصطلاحات بیگانه دشمنان صنف، آلوده سازند» [۲].

«به این عمل از جانب تشکیلات حزبی و دولتی تاجیکستان بهای موافق داده شده است» [۱۸۳، ۹]. چنانکه از سرگذشت بیکناش می‌دانیم، از این وقت (زمانی که این جلسه علمی ۱۶-۱۰ آوریل سال ۱۹۳۳ برگزار گردیده بود) اندکی نگذشته، ۲۳ آوریل سال ۱۹۳۳ با قرار شورای ک.ف. (ب) به هیئت ریاست کمیسیون کنترلی شهر استالین آباد او هم از آموزش و هم از مدرسی آکادمی آموزگاری و هم از کار علمی بخش تاجیکستانی آکادمی علوم اتحاد شوروی اخراج می‌شود. منتقدان مفکوره گرا و دشمنان شخصی بیکناش، این قضیه را برای به

کلی «تار و مار» و در کل محو کردن او به خوبی توانستند استفاده کنند. صحنه‌سازی این معرکه را چنان تشکیل داده بودند که حتی کسانی مثل استاد عینی که مردی فاضل و از نشیب و فراز زندگی آگاه بود، به آن باور داشت و این قضیه را در یکی از مکتوبهایش (۷ اکتبر سال ۱۹۳۷) به استاد لاهوتی چنین یادآور شده بود: «این کاری که من به تنهایی سر کردم (منظور تألیف لغت‌نامه تاجیکی نیم‌تفصیلی)، آن کاری است که بیکتاش با راهبری نثارمحمد با یک دسته کلان «زبان‌شناسان» سر کرده، دو سال «کار کردند» و صدها هزار سوم (پول) دولت خرج شد و در نتیجه چیزی نشد» [۲۳، ۷]. چنان که در فوق دیدیم، این تصور واقعیت ندارد و در زمینه معلومات نادرست به وجود آمده است.

یک نکته را نیز در اینجا روشن کردن لازم می‌آید که از دست «سبک» زبان‌شناسان سیاستمدار و ا. زالیکوف «لغت تاجیکی - روسی» بیکتاش عنوان «لغت روسی - تاجیکی» گرفت و این غلط از بی‌دقتی از این پس در ادبیات سیاسی و علمی در مورد مذمت بیکتاش با همین نام استفاده می‌شود. انتقادگر دیگر سیاستگرا بیک نیز آن را «لغت روسی - تاجیک» نام می‌برد. بعدها س. میتسلافسکی نیز لغت بیکتاش را با همین نام ذکر کرده، آن را چون نشانه کهنه‌پرستی و ایران‌گرایی ملتچی بورژوازی توصیف می‌کند و از جلد اول آن اختصار کردن ۳۰ هزار کلمه را به عنوان دلیل می‌آورد [۲۰۹، ۶]. استاد معصومی نیز بی‌سنجش ضروری، به این دلیل جانبدارانه استناد کرده است [۷۲-۷۱، ۵]. به فکر اینجانب، اهل علم سخن‌سنجی را آگاهی از این قضایا خالی از منفعت نیست.

به همین طریق، تاریخ تألیف و برهم زدن «لغت تاجیکی - روسی» می‌تواند محنت بیکتاش را به عنوان لغت‌شناس برملا سازد و از جایگاه اهل فرهنگ در زمان شوروی شهادت دهد. علاوه بر این، معلوم می‌شود که بیکتاش یکی از اولین مؤلفان لغت‌نامه دوزبانه و فرهنگ‌نویسی نو تاجیک بوده است و اصول کار او اهل علم را در وقتش به ضرورت به میان

آوردن لغت عمومی زبان فارسی، لغت اصطلاحات تاریخی، لغت ساحه‌ای دینی و مذهبی و فلسفی به اندیشه واداشته است. شاید روزی شود که در بایگانی آکادمی علوم تاجیکستان یا آکادمی علوم سابق اتحاد شوروی (بخش لنینگرادی آن) و یا بایگانی کمیسیاریت معارف تاجیکستان نسخه‌ای از لغت‌نامه مذکور پیدا شود (همچنان که نسخه لغت‌نامه استاد عینی از بایگانی نشریات یافت شد) و ما توانیم از مزیت آن فرهنگ و زحمت مرتبان و مؤلفانش دقیق‌تر و مشخص‌تر سخن آوریم. اما به گمان اینجانب، هرچند دستنویس لغت‌نامه از نشر بازداشته شد، ولی می‌توانست فیش‌های آن در بایگانی شعبه تاجیکستانی فرهنگستان علوم شوروی وجود داشته باشد و بعدها مورد استفاده قرار گیرد.

اکنون تاریخ تلخ «لغت» بیکناش و بعد از چهل سال نشر شدن «لغت» استاد عینی و بعد از چهل و اند سال تألیف لغت بیکناش با همین آهنگ (بی‌اعتنایی به انترناسیونالیسم) متهم کرده شدن یکی از محرران «فرهنگ زبان تاجیکی» استاد م. شکوری و عموماً بلشویک کردن اصطلاحات و ترکیب لغوی زبان تاجیکی را باید چون یک درس عبرت‌بخش تاریخ به گوش گیریم، تا دیگر در انحصار مزخرفاتی از قبیل «صنفي بودن لغت»، «هوشیاری صنفی ظاهر نمودن هنگام ترتیب دادن لغت»، «در لغت انعکاس یافتن سیاست» و غیره برنخوریم. خصوصاً که امروز هم از جانب علمای بنام «انترناسیونالیسم» عکس پدیده‌هایی مانند سالهای ۳۰ قرن گذشته به گوش می‌رسد که مقصدشان نادیده گرفتن امکانیت و مقام و منزلت زبان تاجیکی است. بنابراین، ما را ضرور است که درس‌های تاریخ را هرگز فراموش نکنیم.

منابع:

- ۱ - عینی ص. کلیات. جلد ۱۲. دوشنبه، عرفان، ۱۹۷۶.
- 2 - Бек Т.Т. Зиёнкорон дар fronti мафкуравӣ // Тоҷикистони сурх, аз 24 майи соли 1933.
- 3 - Бергельс Е.Э. Пути создания таджикских словарей // Проблемы Таджикистана. - Ленинград: Изд-то. АН СССР, 1934.
- 4 - К вопросу о едином литературном таджикском языке, терминологии и латинизированном таджикском алфавите. - Издание Научно-метод. Сектора Наркомпроса Тадж ССР. - Сталинабад, 1930.
- 5 - Маъсумӣ Н. Асарҳои мунтахаб, ҷ. 2. Забоншиносӣ. - Душанбе: Ирфон, 1980.
- 6 - Метиславский С.С. Айни - основоположник таджикской прозы // Октябрь, 1941, № 1.
- 7 - Мукотибаи Садриддин Айни ва Абулқосим Лоҳутӣ. Бо кӯшиши Х. Отахонова - Душанбе: Дониш, 1978.
- 8 - Набавӣ А. Лаҳзае чанд аз оғози илмии ҷадиди суҳансанҷии тоҷик // Номаи пажӯҳишгоҳ (Нашрияти Пажӯҳишгоҳи фарҳангӣ форсӣ-тоҷикӣ), шумораи 1, Душанбе, 2001.
- 9 - Проблемы Таджикистана. - Ленинград: Изд-то АН СССР, 1933.